

# "مشت ملی" بر دهان حاکمیت با تاکتیک ها و سیاست های دم به دم نو، باید به نمایش درآید

انتخابات مجلس هشتم، در شدیدترین تنگنایی که طراحان و مجریان سیاست نظامی- اتمی در حاکمیت جمهوری اسلامی بوجود آورده اند، به زمان برگزاری خود نزدیک می شود. درحالیکه مساعدترین موقعیت برای آشکار شدن شکست این طراحان و مجریان فراهم است، آنها نامساعدترین شرایط را برای انتخابات فراهم آورده اند تا "نه" بزرگ مردم ایران به این سیاست از صندوق ها بیرون نیاید!

تشدید گرانی، تورم، بیکاری و رسوائی دولتی جنجال ساز و هوچی که سه سال است بر بال موشک شهاب سوار است و درکنار بی سابقه ترین حمایت های نظامی جان مردم را به لب رسانده، تنها بخشی از زمینه مساعدی است که اگر شرایط برای ریختن رای آزاد مردم به صندوق ها فراهم بود، با استفاده از این زمینه، مردم مشت بر دهان این دولت و حامیان آن می کوبیدند. این که می گوئیم سیاست نظامی و حاکمیت نظامی در عمل شکست خورده و موقعیت برای واکنش ملی فراهم است، اما شرایط نا مساعد نخست به دلیل همین مشت آماده و بالقوه است و دوم به دلیل امکاناتی که برای جلوگیری از بالفعل شدن آن هنوز در اختیار حکومت است و در وسیع ترین شکل ممکن از آن بهره گرفته است. حتی به قیمت مالیدن پیه رسوائی داخلی و جهانی به تن!

شکست سیاست نظامی حاکم که پشت فعالیت های اتمی نیز سنگر گرفته، چنان قطعی است که مخالفان جدی و مدعی آن، درانتظار بروز خیابانی آن، نیم گام از تبلیغات انتخاباتی فاصله گرفته اند تا در زمان و زمینه مناسب به میدان درآیند و با اتکاء به نتایج فاجعه بار این شکست، مبتکر تغییراتی بنیادی در ساختار نظام جمهوری اسلامی شوند. این نه حرف و سخنی پنهان است و نه رازی که ما آشکار کرده باشیم. حتی مرور رویدادهای چند هفته اخیر نیز این ارزیابی را تأیید می کند. چه آن جشن و پایکوبی که رهبر و دولت و شورای تبلیغات احمد جنتی بنام شورای تبلیغات اسلامی وقت و بی وقت بعنوان پیروزی اتمی به راه می اندازند و چه سخنرانی ها و سفرهای تبلیغاتی رهبر و فرماندهان نظامی و امام جمعه همیشه موقت تهران "احمدجنتی"، که هدف از همه آنها پنهان سازی شکست این سیاست و ادامه حمایت از لولوی سرخرمندی بنام دولت احمدی نژاد است.

بیش از هر حزب و سازمان و نیروی سیاسی و شخصیت سیاسی، خود گردانندگان این سیاست از شکست سیاست نظامی و آمادگی "مشت ملی" برای فرود آمدن بر دهان گردانندگان و طراحان آگاهی دارند. این آگاهی را از طرق مختلف و از جمله نظرسنجی های پنهان و واکنش های مردمی در تحرکات اعتراضی و دهها فعالیت امنیتی بدست آورده اند. اگر این آگاهی را نداشتند، تا این حد از انتخابات وحشت نداشتند و با انواع حیلها و توطئه ها و بستن فضای ارتباطی و آگاهی مردم سعی در سرهم بندی کردن انتخابات نمی کردند. حتی بموجب همین استدلال آخر، با یقین می تواند گفت که جامعه در حال آماده شدن برای واکنشی ملی است و این مهم ترین نتیجه ایست که باید از کارزار کنونی انتخابات مجلس هشتم گرفت و بر مبنای آن گام های بعدی را سنجیده انتخاب کرد.

آگاهی فردی سریع بدست می آید. آگاهی حزبی نیز نه به سرعت آگاهی فردی، بلکه بموجب وسعت خویش زود فراهم می آید. اما آگاهی توده ای زمان می برد و ما در این مرحله قرار داریم. تاثیر این آگاهی در تحولات اجتماعی نیز به نسبت حجم و وسعت آن سنجیده می شود. یعنی آگاهی فردی و حزبی در مقایسه با آگاهی توده ای، طبیعی است که آگاهی توده ای سیلی بنیانکن است در برابر آگاهی فردی که جویباری بیش نیست.

تمام بحث بر سر شرکت یا عدم شرکت و میزان وسعت و اتحاد برای شرکت در انتخابات مجلس نیز از همینجا بر می خیزد. اگر جهت گیری عمومی جامعه- توجه باید کرد که هنوز سخن از جهت گیری است نه عمل فوری!- به سمت آگاهی ملی و واکنش توده ایست - که از نظر ما هست- از همان اندازه فضای انتخاباتی و فشار به حاکمیت برای عقب نشینی که پاسخ می دهد باید استفاده کرد و با آراء مردمی که به طرد سیاست نظامی رای می دهند به مجلس رفت و آن را به نمایش گذاشت. حتی اگر این آراء یک دهم آراء واقعی مخالفان سیاست نظامی باشد و حاکمیت اجازه حضور ۹ دهم آن را نداده باشد و یا با حذف چهره های شناخته شده و مخالف اوضاع کنونی کشور این توان حضور را به یک دهم کاهش داده باشند.

با همین نگاه به انتخابات و زمینه های اجتماعی شکست سیاست "جنگی- نظامی- اتمی- امنیتی" است که ما اعتقاد داریم حتی یک "بانگ" در مجلس آینده میتواند بموقع خود، با اتکاء به نیروی عظیم مردمی که بیرون از مجلس به حاکمیت فشار می آورند، تریبونی تاثیر گذار و فعال - فعال تر از آنها که مجلس را در اختیار گرفته اند- شد.

شرکت در انتخابات مجلس هشتم، علیرغم همه محدودیت ها و توطئه ها و چشم بندی هایی که ما نیز کاملاً آن را لحظه به لحظه دنبال می کنیم، دارای این اهمیت است، زیرا دارای آن "زمینه" است. زمینه ای که در بالا و در ارتباط با شکست سیاست نظامی و ترس حاکمیت از بروز آن در پای صندوق های رای اشاره کردیم.

در باره آن بخش از سرمقاله شماره گذشته راه توده که اشاره به ناخنک زدن به جبهه مخالف داشت، از ما خواهان توضیح روشن تر و صریح تر شده اند.

با آنکه ما سخن نامفهومی در آن سرمقاله نوشته بودیم و نظرمان در چارچوب سیاست "اتحاد وسیع" کاملاً رسا بود، آن را یکبار دیگر در اینجا، باز هم روشن تر می نویسیم.

خطاب ما به آن نیروهایی است که بعنوان اصلاح طلب و یا مخالف سیاست های حاکم در صحنه انتخابات حضور یافته اند. ما اعتقاد داریم که این نیرو، در آن شهرهایی - بویژه شهرهای بزرگ ایران مانند تهران- که لیست آنها ناقص است و حاکمیت نیروئی برایشان باقی نگذاشته تا بعنوان کاندیدای خود معرفی کنند، می توانند و توصیه می کنیم در چارچوب سیاست "اتحاد وسیع" از کسانی حمایت کنند که در جبهه مخالف، راه و روش و اندیشه خود را از حاکمیت کنونی - حتی تلویحاً- جدا اعلام کرده اند. حتی اگر این اعلام جدائی، جدائی از سیاست های دولت کنونی باشد و نه مجموع حاکمیت و "رهبر"!

در اینصورت، تفاوت آرائی که بین انگشت شمار افراد جبهه مخالف با بقیه وابستگان آن جبهه بدست می آید، آراء جبهه اتحادی و آراء تحول و آراء مخالفت با سیاست های حاکم است. آن که با این آراء به مجلس می رود نه تنها رای مخالفان سیاست های حاکم را بازتاب می دهد، بلکه برای حفظ این رای همراهی با سیاست های حاکم برایش دشوار است.

اهمیت دیگر این مسئله آنست که تقلب در آراء این افراد و یا جلوگیری از انداختن رای به سود آنها به صندوق های رای نیز برای متقلبین و ترتیب دهندگان مجلس هشتم دشوار است.

این سیاست را می توان در آخرین روزهای تبلیغات انتخاباتی اعلام داشت، اما تدارک آن را از هم اکنون باید دید. در شرایطی که حاکمان انتخاباتی، حتی تلفن همراه مردم را در روز انتخابات می خواهند قطع کنند و فرمان قطع اینترنت را در همین روز صادر کرده اند تا رابطه مردم با هم قطع شود و نتوانند افراد را برای رای به هم معرفی کنند و بزرگترین

تلاش برای تقلب در شمارش آراء در تدارک دارند، چرا نباید چنین پیش بینی هائی برای  
نمایش رای مخالف سیاست های حاکم را کرد؟  
سؤال ما اینست!  
توصیه ما نیز چنین است!  
نگاه انتخاباتی ما نیز همین است!

راه توده ۱۶۹ ۰۳,۰۳,۲۰۰۸

راه توده